

## بررسی ریشه‌شناختی و سیر تحول واژه «عتیق» در قرآن

محمد رضا شاهرودی<sup>۱</sup>، اکرم صالحی<sup>۲</sup>

### چکیده

در بررسی زبان‌شناسی توحیدی واژه «عتیق» که تنها در یک سوره مدنی قرآن/حج به کار رفته است، درمی‌یابیم که مفسران و مترجمان در توضیح این واژه به دلیل ابهام معنای اصیل و صمیم آن، با دشواری‌هایی دست به گریبان بوده و به ترجمه و تفسیر واحد و دقیقی از آن دست نیافته‌اند. به همین دلیل، ابتدا در گزارشی اجمالی اشاره خواهیم کرد که این واژه نزد مترجمان، در دو معنای متفاوت «قدیمی» و «گرامی» به کار رفته است و مفسران نیز به این اختلاف دامن زده و معنای سوم «آزاد» را بر آن افزوده‌اند. پس از آن، در پی یافتن ریشه اصلی این کلمه، با بررسی دیدگاه قاموس‌نویسان در موارد مختلف استعمال آن، مبنی بر وجود دو معنای «قدمت» و «کرامت» در اصل واژه و ادغام معنای «آزادی» در معنای «کرامت» و همچنین بررسی پیشینه این واژه در زبان‌های کهن قبل از ظهور اسلام به این نتیجه خواهیم رسید که واژه «عتق» به معنای «کهنه و قدیمی» در زبان آرامی، به دلیل شباهت در نگارش و تلفظ، با واژه «عتک» به معنای «سبقت و پیشی گرفتن» در زبان عبری، دچار تبادل معنایی شده و این هر دو معنا، نقطه مرکزی دایره گسترده معنایی «عتق» را تشکیل داده است. بدین ترتیب، هرآنچه قدیمی است یا نسبت به دیگر اقراش به نوعی تقدم و برتری دارد با تعبیر «عتیق» عنوان شده و بر این اساس، هر دو معنای ذکر شده در ترجمه آیه شریفه مورد بحث، توجیه پذیر است.

کلید واژه‌ها: عتیق، البیت العتیق، مفردات قرآن، واژه‌شناسی

---

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

۲. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۵ تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۲۲

## مقدمه

در گستره مفاهیم قرآنی، برای دستیابی به معنای دقیق متن قرآن و حقیقت آن، این سؤال مطرح است که آیا معنایی که امروزه از یکایک مفردات قرآن استنباط می‌شود، همان معنایی است که به هنگام نزول قرآن به ذهن مخاطبان آن متبادر می‌شده، یا روند تاریخ آن را متحوّل کرده است؟

بدیهی است که واژه‌های کلامی طی قرون متمادی، دست‌خوش تحوّل معنایی وسیعی شده است؛ چندان‌که گاه معنای نخست آنها به فراموشی سپرده و مفاهیمی کاملاً بدیع از آن متداول شده است. بنابراین، تحقیق درباره معنای اصلی واژه‌ها و ریشه واقعی آن مفاهیم که معمولاً از یک معنای مادی و ملموس سرچشمه گرفته است، برای راهیابی به درک بهتر مفاهیم قرآن و کشف حقیقت معنای واژگان آن، ضروری به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر در حیطة معناشناختی واژگان، بررسی معنای نخستین کلمات به هنگام تولد و دنبال کردن جریان روح آن معنا در کاربردهای مختلف آن واژه برای مفاهیم متعدد در طی قرون متمادی، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

بر این اساس، می‌توان درسایه سیر تحوّل معنایی یک لغت، که اکنون در هاله‌ای از ابهام است، به همراه درونمایه اصلی آن به ترجمه و تفسیر دقیق‌تری از آن واژه دست یافت. البته برای تحقق چنین منظوری، شواهد دقیق و متقنی مبنی بر فهم مسلمانان عصر نزول از مفردات در دست نداشته و تکیه اصلی تنها بر منابع لغوی قرن دوم به بعد و تعداد اندکی از ترجمه‌ها و تفاسیر باقی‌مانده از سده‌های اول تاریخ اسلام است.

واژه «عتیق» نزد مترجمان و مفسران قرآن

واژه «عتیق» در قرآن کریم تنها در دو آیه از سوره مبارکه حج و به مناسبت بحث از اعمال و مناسک حج به کار رفته است: «و لیوفوا نذورهم ولیطوفوا بالبيت العتیق» (حج/۲۹)، «لکم فیها منافع الی اجل مسمی ثم محلها الی البیت العتیق» (حج/۳۳) در این هر دو مورد، این واژه صفت «البیت» واقع شده و به نظر تمامی مفسران، به جز بیضاوی که بر اساس تفسیر خویش از آیه (حج/۳۳)، منظور از این واژه را «بیت معمور» یا «بهشت» می داند،<sup>۱</sup> (۱۴۳/۳) مراد از آن، خانه کعبه است.<sup>۲</sup>

مترجمان نیز نظیر مفسران، در ترجمه این واژه اختلاف نظر دارند برخی مانند خرمشاهی و ابوالحسن شعرانی، معادلی برای آن ذکر نکرده و استفاده از خود این واژه را در ترجمه خود ترجیح داده اند. ولی گروهی مانند دهلوی، محمد خواجوی، مجتبی، فیض الاسلام و آیتی در صدد معادل یابی برآمده، از عبارات «قدیمی»، «کهنسال»، «دیرینه» و... استفاده کرده و به معنای قدمت و کهنگی در اصل آن اشاره داشته اند. و یا مانند مکارم شیرازی، معادل آن را «خانه گرامی کعبه» قرار داده و معنای کرامت و عظمت را برای این واژه برگزیده اند. در نتیجه، در ترجمه های مختلف دو معنای کرامت و قدمت برای این واژه آمده است. علاوه بر مترجمان که در تعیین معنای این واژه اتفاق نظر ندارند، مفسران نیز دچار این اختلاف بوده و معنای سوم «آزادی» را نیز بر آن افزوده اند. و چنانچه

---

۱. بیضاوی در تفسیر آیه گوید: "لکم فیها منافع دینیة تتنفعون بها الی اجل مسمی هو الموت ثم محلها منتهیة الی البیت العتیق الذی ترفع الیه الاعمال او یکون فیه ثوابها و هو البیت المعمور او الجنة". (۱۴۳/۳)

۲. به نظر می رسد که «ال» موجود در «البیت العتیق» از نوع «ال» عهد ذهنی است. در آمدن «ال عهد» در هر سه نوع آن به منظور توجه مخاطب به مصداقی خاص از یک جنس صورت می گیرد و بر این پایه از دیدگاه مفسران، مراد از «البیت العتیق» یکی از سه مقوله «بیت معمور»، «بهشت»، یا «خانه کعبه» است.

ذکر خواهد شد، این سه حوزه معنایی در قوامیس لغت نیز مشاهده می‌شود. آنچه مفسران در شرح این لغت مطرح کرده‌اند، عبارت است از:

الف) آزاد: آزاد از دست جباران ویرانگر یا آزاد از دست هر مالک از آدمیان و یا آزاد و رها از غرق شدن در ایام طوفان نوح. این معنا در برخی موارد با استناد به روایاتی از امام باقر(ع)، امام صادق(ع)، عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر و... است. (میبدی/۳۶۴/۶؛ نسفی/۳/۱۰۰؛ رازی/۱۳/۳۲۳؛ طبرسی/۱۶/۲۶؛ طوسی/۳۱۳/۷؛ لاهیجی/۳/۱۸۳؛ قمی/۲/۸۴؛ کاشفی/۳/۱۵۹؛ زمخشری/۱۱/۳؛ بیضاوی/۱۴۱/۳؛ طباطبایی/۱۴/۴۱۵)

ب) کهن: با استشهاد به آیه «إِنَّ أَوْلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ...» (آل عمران/۹۶)؛ زیرا کعبه اولین خانه‌ای است که آدم(ع) ساخت و ابراهیم(ع) آن را تجدید بنا نمود و با استناد به کاربرد این واژه در این معنا در لغت عرب (میبدی/۳۶۴/۶؛ نسفی/۳/۱۰۰؛ طوسی/۳۱۳/۷؛ رازی/۱۳/۳۲۳؛ جرجانی/۱۹۶/۶؛ کاشانی/۱۵۹/۶؛ مجتهدامین/۱۰/۳۵۰؛ زمخشری/۱۱/۳؛ بیضاوی/۱۴۱/۳؛ طباطبایی/۱۴/۴۱۵) و نیز استناد به برخی روایات با این مضمون که چون آدم(ع) بر زمین هبوط کرد، ملایپکه او را گفتند: «اطراف این خانه طواف کن؛ چرا که ما دوهزار سال پیش از تو طواف کرده‌ایم.» (کاشانی/۱۵۹/۶)

ج) گرمی: بدین معنا که این خانه و بانی آن، کریم و گرمی است. این معنا با استناد به کاربرد «عتائق الخیل والطیر و الفرس» در لغت عرب به معنای «الکرائم منها»، برداشت شده است. (میبدی/۳۶۴/۶؛ نسفی/۳/۱۰۰؛ کاشانی/۱۵۹/۶؛ رازی/۳/۱۲۳؛ شبر/۱۴/۵۲۴)

البته ذکر این نکته ضروری است که وجود جبارانی همچون عبدالله بن زبیر، حصین بن نمیر، مأمور یزید و حجاج بن یوسف، مأمور عبدالملک مروان و قوم قرامطه که در طول تاریخ در صدد ویرانی خانه خدا برآمده‌اند، مفسرانی را که معنای آزاد بودن از دست جباران را در تفسیر این واژه مطرح کرده‌اند، دچار اشکال کرده است (طباطبایی/۱۴/۴۱۵). برخی از آنها مانند کاشانی در پاسخ به این اشکال گفته‌اند: «قصد حجاج گرفتن عبدالله بن زبیر بوده که به خانه خدا پناهنده

شده بود و پس از آن، خانه را تعمیر کرده است». برخی گویند به دلیل وجود پیامبر(ص) در میان آنها، این گروه هلاک نشده اند؛ وگرنه هر جباری مانند ابرهه که پیش از ظهور حضرت، قصد تخریب آن خانه را کرده، هلاک شده است (طباطبایی ۱۴/۱۵). بیضاوی و زمخشری نیز بر همین عقیده اند. (۱۱/۳، ۱۴۱/۳)

### «عتق» در گستره مشتقات و مفاهیم

اکنون با توجه به اختلاف ترجمه ها و تفسیرهای مطرح شده، به ریشه یابی معنا و مفهوم این واژه خواهیم پرداخت. از ریشه «ع-ت-ق»، واژه های مختلفی مشتق شده که هر یک برای مفاهیم متعدد و متنوعی به کار رفته اند. این مفاهیم عبارتند از: برده و کنیز آزاد شده «عبدعتیق و امرأة عتیقة» (خلیل ۱۴۶/۱، ابن درید؛ جمهره ۴۰۲/۱؛ ازهری ۲۱۰/۱؛ جوهری ۱۵۲۰/۴؛ ابن فارس؛ مقایس ۲۱۹/۴ و مجمل اللغة ۶۴۵/۳؛ ابن منظور ۲۳۵/۱۰؛ فیروزآبادی ۱۴۹/۳؛ طریحی ۱۱۶۱/۲)، دختر تازه بالغ «جاریة عاتق» (همان) ۱، پرنده آماده پرواز «العاتق من الطیر» (همان، بغیر از ازهری و طریحی)، پرنده شکاری یا نام خاص برای باز، نوعی پرنده شکاری، «عتیق الطیر» (همان، به غیر از ابن درید، ازهری، ابن فارس و فیروز آبادی) ۲، شخص کریم و جمیل «امرأة عتیقة، ما أعتقه و أبین العتق فیه» (همان به غیر از ازهری و طریحی) ۳ اسب و شتر زیبا و نجیب «النوق العتیقة، فرس عتیق، عتاق الخیل» (همان)، شراب کهنه، جاف افتاده و خوب «العتیق،

---

۱. این معنا در بیت «أقیدی دماً یا أم عمرو هرقته بكفیک یوم الستر إذ أنت عاتق» (ازهری ۲۱۰/۱) و به شکل جمع در بیت «ولم تثق العواتق من غیور بغیرته و خلین الحجالا» (ابن منظور ۲۳۵/۱۰) به کار رفته است.

۲. عتیق بدین معنا در بیت «فانتزلنا و ابن سلمی قاعد» کعتیق الطیر یغضی و یجُلُّ (خلیل ۱۴۷/۱) به کار رفته است.

۳. در بیت «هجام المحیة عوهج الخلق سربلت من الحسن سربالاً عتیق البناتق» (ابن منظور ۲۳۶/۱۰) به کار رفته است.

العاتق، المَعْتَقَة، عتيقة» (همان به غیر از طریحی) ۱، مشک خوب و بزرگ «العاتق من الزقاق» (همان) ۲، برگزیده هر چیز (آب سرد، خرما، چربی، شراب، ... و نوعی درخت خرما که خرماى آن تمام نشود) «عتیق» (همان) ۳، کتف و شانه «عاتقان» (همان) ۴، اصلاح مال «عتق المال و اعتقت المال» (همان به غیر از خلیل، ابن درید و طریحی) پیشی گرفتن و سبقت جستن اسب و... «عتق الفرس، فرس عاتق» (همان به غیر از خلیل و طریحی)، باز شدن گرفتگی چهره «عُتِقَ و عَتَّقَ» (همان به غیر از خلیل، ابن درید و طریحی)، کهنه، قدیمی و پیر شده «عَتَّقَ و عَتَّقَ، عتیق» (همان به غیر از ابن درید) ۵، عهد و سوگند قدیمی «أعتق یمینه، عتقت علیه یمین» (همان به غیر از خلیل و ابن درید) ۶، کمان کهنه و قدیمی که رنگ آن متمایل به قرمز شده است «القوس العاتق، العاتقة» (جوهری، ابن فارس و فیروز آبادی، همان) و درختی که از آن کمان سازند «العُتُق، العتق» (ابن منظور ۲۳۳۶/۱۰)، گاز گرفتن «عَتَّقَ الفرس، عَتَّقَ» (همان به غیر از خلیل، ازهری، ابن فارس و طریحی)، تصرف کردن مکان یا

۱. این معنا در بیت‌های «وسینة مما تُعتق بابل كدم الذبیح سلبتها جریاً لها» (خلیل ۱/۱۴۶) و «كالمسك تخلطه بماء سحابة أو عاتق كدم الذبیح مدام» (جوهری ۴/۱۵۲۰) بکار رفته است.

۲. این معنا در بیت «أعلى السباء بكل أدکن عاتقٍ أو جسونة قُدِحَت و قُتَّ ختاها» (ازهری ۱/۲۱۰) به کار رفته است.

۳. این معنا در بیت «كذب العتیق و ماء شن بارد» إن كنت سائلنی غیوفاً فاذهبی» (ازهری ۱/۲۱۱) به کار رفته و جوهری در معنای این بیت گوید: «اراد بالعتیق، الخمر الذی قد عتق» (جوهری ۴/۱۵۲۰) و «یقال هو الماء نفسه» (جوهری ۴/۱۵۲۱) و ابن فارس در معنای آن گوید: «قال قوم أنه نوع من التمر العتیق و معنی كذب ای علیك بهذا النوع» (مقایس ۴/۲۱۹)

۴. این معنا در بیت «لا صلح بینی فاعلموه ولا بینکم ما حملت عاتقی» «سیفی و ما کنا بنجد و ما قرقر قمر الواد بالشاهق» (ابن فارس، مقایس ۴/۲۱۹) به کار رفته است.

۵. خلیل برای این معنا به آیه «ولیطوفوا بالبیب العتیق» (حج/۲۹) اشاره و دلیل آنرا چنین عنوان کرده است که خانه کعبه اولین خانه‌ای است که برای مردم بنا نهاده شد. (خلیل، همان)

۶. این معنا در بیت «علی الیة عتقت قدیمًا فلیس لها و إن طلبت مرام» (ازهری ۱/۲۱۰) به کار رفته است.

جایگاه کسی یا چیزی «عَتَقَ موضعه» (فیروز آبادی ۱۴۹/۳)، حفر چاه «عتق قلبیه» (فیروز آبادی، همان) و چاه قدیمی «عاتقه» (ابن فارس، همان)، وصف ابوبکر «عتیق» (همان به غیر از خلیل، ازهری، ابن فارس و طریحی) ۱

چنان‌که مشاهده می‌شود، دایرهٔ رو به گسترش این مفاهیم را می‌توان به سه حوزه معنایی عمده و اصلی ۲ تقسیم کرد:

الف) حوزه معنایی آزادی و رهایی؛

ب) حوزه معنایی قدمت و کهنگی؛

ج) حوزه معنایی زیبایی و برگزیدگی/کرامت.

بر اساس این تقسیم‌بندی، مفاهیمی همچون برده و کنیز آزاد شده، دختر تازه بالغی که هنوز ازدواج نکرده و در تملک شوهر نیست و به آزادی فکری و عقلی نیز رسیده‌است، و پرندهٔ آمادهٔ پرواز را که به نوعی از رهایی دست یافته، در ذیل معنای اول یعنی «آزادی» می‌توان قرار داد. همچنین، مفاهیم اشیای کهنه و

---

۱. گفته شده‌است ابوبکر به دلیل جمال و زیباییش بدین وصف خوانده‌شده و نیز گویند که پیامبر(ص) در مورد وی گفته‌است «عتیق من النار». (همان) و بنا بر قولی مادرش وی را بدین نام منسوب کرده‌است. (فیروز آبادی، همان)

۲. مفاهیمی همچون گاز گرفتن، تصرف در یک مکان و کتف و شانه را به ترتیب با در نظرگرفتن معنای پیشروی و سبقت جهت حمله، متمایز و خصوصی کردن و تقدم و برتری مکانی شانه نسبت به دیگر اعضای بدن - مطابق نظر راغب - را اگر نتوان با توجیه گسترش و اتساع دایره معنایی حوزه سوم، در ذیل آن قرار داد، گریزی از درنظر گرفتن قسم سوم و چهارمی از دایره این معانی و تنها با یک شاهد نیست. لذا در پی دستیابی به معنای اصلی کلمه به بررسی سه حوزه اصلی آن می‌پردازیم.

قدیمی، اشخاص پیر و کهنسال، سوگند قدیمی، چاه قدیمی و... با توجه به معنای قدمت در حیطه معنای دوم، قرار خواهند گرفت. در نهایت، مفاهیمی مانند شخص محترم و کریم، اسب زیبا و نجیب، پرنده شکاری که در آسمان اوج گرفته و دارد عظمت و ابهت دارد<sup>۱</sup>، شراب خوب و جا افتاده، مشک بزرگ و هر چیزی که در نوع خود برگزیده است، مانند: خرما، عطر خاص و... را که هر کدام در معنای کرامت داشتن، به دلیل همراهی ارزش‌های زیبایی، جمال، نیکی، عظمت و به طور کل «برگزیده بودن» صراحت دارند، به همراه مفاهیم اصلاح مال، باز شدن گرفتگی چهره و سبقت جستن حیوان و مانند آن را که به طور ضمنی در بردارنده مفهوم جمال و نیکی و کرامت است، می‌توان در ذیل معنای سوم قرار داد.

شایان ذکر است که این سه حیطه معنایی نهفته در اصل لغت «عتق» در طول تاریخ همچنان بر قوت خویش باقی بوده است. و این حقیقتی است که در ترجمه‌ها و تفاسیر موجود نیز نمایان است.<sup>۲</sup>

اکنون سؤال این است که چرا مفسران و لغت‌شناسان در بیان معنای «عتیق» در ذیل آیه «ولیطوفوا بالبيت العتيق» (حج/۲۹) گاه یکی از معانی مطرح شده را ذکر کرده‌اند، و در این مورد نه تنها دچار اختلافند و اتفاق نظری میان آنها وجود ندارد، در مواردی که به هر سه معنا پرداخته‌اند، یا موفق به جمع این معانی، ذیل یک معنای واحد نشده و یا تلاشی در این جهت نکرده‌اند؟

برای مثال، خلیل آیه شریفه مذکور را شاهد مثال معنای «قدیم» برای این واژه آورده و دلیل آن را آیه «إن أول بيت وضع للناس...» (آل عمران/۹۶) بر

---

۱. ابن فارس گوید: «عتاق الطیر»، «اکرم الطیر» هستند. زیرا شأن آنهاست که صید می‌کنند و صید نمی‌شوند. (همان)

۲. هم اکنون «عتیق» در معانی قدیمی، باستانی، دیرین، کهن، جاافتاده، منسوخ، غیر متداول، آزاد، نجیب، شریف و آزاده به کار می‌رود. (آذرنوش، فرهنگ معاصر/۴۲۰)



شمرده است. و در مقابل، ابن درید دلیل نام‌گذاری خانه کعبه را بدین نام «رهایی و آزادی از تملک بنی آدم» دانسته است. و ازهری با ذکر دو روایت ۱ و نیز فیروزآبادی و ابن منظور هر دو معنای «آزادی از دست جباران و تملک دیگران» و «قدیمی» را مطرح کرده‌اند. براین اساس، خلیل که در میان قاموس نویسان از شهرت و اعتبار بیشتری برخوردار است، تنها به معنای «قدمت» اشاره داشته و پس از اوست که دامنه تفسیری این کلمه، گسترش می‌یابد و آزادی نیز مطرح می‌شود.

### ریشه‌یابی معنای اصلی «عتیق»

برای یافتن ریشه اصلی معنای این کلمه، ناچار به بررسی موارد مختلف استعمال آن بازگشته و سعی می‌کنیم تا مجموعه‌های مطرح شده را به صورت واحد در آوریم.

ظاهر امر، این‌گونه است که در این دایره معنایی، «قدمت» و «آزادی» بخش کمی را به خود اختصاص داده است اما در مقابل کاربرد این واژه در مفاهیمی که ریشه در معنای نیکی، جمال، علو، برتری و بزرگی دارد، بسیار بوده و به هر شیء خوب و نیکو یا شخص زیبا، کریم، نجیب و محترم و به طور کل مصادیق برگزیده از هر نوع، «عتیق» یا واژه‌ای از این نوع، اطلاق شده است. هرچند در برخی موارد، برتری آن به دلیل قدمتش باشد، مانند «شراب خوب و جافتاده» که مدت زمان زیادی از آن گذشته است.

---

۳. قال الحسن: هوالبیت القدیم و دلیلہ قوله تعالی: «إن أول بیت وضع للناس للذی بیکة مبارک». (آل عمران/۹۶)

و قال غیره: البیت العتیق: أعتق من الغرق أيام الطوفان و دلیلہ قوله تعالی «و إذ بوأنا لإبراهیم مکان البیت». (حج/۲۶) و هذا دلیل علی أن البیت رفع و بقی مکانه و قیل إنه أعتق من الجبابرة و لم یدعه أحد منهم. (ص ۱۰۹)

به هر ترتیب با دقت در این سه معنا می‌توان شعبه‌های معنایی «عتیق» را کاهش داد. به این صورت که میان معنای «آزادی» و «کرامت» اتحاد برقرار کرده و چنین نتیجه گرفت که: هر آنچه آزاد است، از نوعی کرامت و احترام و اهمیت برخوردار است، و به عبارتی موجود آزاد، از آن جهت که کرامت و برتری می‌یابد، «عتیق» است. و بدین ترتیب، آزادی را از اصل معنای «عتیق» حذف کرده تا به اصل کلمه نزدیک‌تر شد. به عبارت دیگر تنها دو حوزه «کرامت» و «قدمت» را در نظر گرفت. همچنان‌که برخی از لغویان نیز به این دو معنا نظر داشته و تمامی کاربردهای دیگر را حول این دو معنا توجیه کرده‌اند. (ابن فارس ۲۱۹/۴)

البته خلاف این نظر که «آزادی» درد معنای «کرامت» ادغام می‌شود، نیز مطرح است. آقای مصطفوی<sup>۱</sup> اصل واحد این کلمه را «اطلاق و آزادی از هر قید و بندی» برمی‌شمرد و معانی بیان شده را در ذیل آن قرار می‌دهد. مثلاً «عتیق» در عبارت «عبد عتیق» به معنای انسان خارج از محدوده عبودیت و بردگی است و «عائق» در عبارت «فرس عائق» به معنای خارج از حدود و سیر مسابقه با اسبان دیگر و توصیف بیت به «عتیق» در عبارت «بیت عتیق» به مفهوم خانه‌ای رها و آزاد از هر حدود و نسبتی است؛ چنان‌که تنها متناسب به خدای متعال است. وی بر این اساس، مفاهیم «قدمت» و «جمال و کرامت» و امثال آنرا از لوازم این اصل واحد می‌داند؛ (۲۶/۸-۲۷) اما راغب اصفهانی نیز این مفاهیم را تحت معنایی متفاوت از این معنا قرار داده و در بیان اصل این کلمه گوید: «العتیق، المتقدم فی الزمان أو المكان أو الرتبة» و معتقد است نوعی برتری زمانی و مکانی و رتبه‌ای،

---

۱. مصطفوی از جمله محققان معاصر است که به دنبال یافتن اصل مفردات قرآنی و کشف معنای اصلی آن اقدام به نگارش کتابی با عنوان «التحقیق فی کلمات القرآن یحیث عن الاصل الواحد فی کل کلمة تطوره و تطبیقه علی مختلف موارد استعمال فی کلامه» نموده و تا حدودی در این عمل موفق بوده است.

معنای اصلی این واژه است و قدیم و کریم و آزاد، هر یک به دلیل چنین تقدیمی «عتیق» نامیده شده‌اند. (ص ۵۴۵)

بر خلاف نظر این محققان، که البته در جای خویش ارزشمند و قابل توجه است، بهتر آن است که به همان دو معنای اصلی «قدمت» و «کرامت» که با توجه به موارد مختلف استعمال این واژه در لغت عرب، بدست آوردیم، توجه داشته و برای یافتن حقیقت معنایی این واژه به پیشینه آن قبل از ظهور اسلام و کاربرد آن توسط اعراب در دوران نزول قرآن بپردازیم.

### ریشه‌یابی مفهوم «عتیق» در زبان‌های کهن

بر اساس تحقیقات انجام شده توسط جفری، این واژه در زبان اکدی به صورت «etequ» و در زبان عبری به صورت «קֵי קֵ» و به معنای «حرکت دادن و پیش رفتن»، به کار رفته و مفهوم کهنه و قدیمی خاص زبان آرامی است و عرب متأثر از آرامی آن را به کار می‌برد. جفری گوید: واژه‌های آرامی «לא יי ק» و «לא תק، א» کاربرد عام دارند و واژه «לא תק» به مفهوم کهنه و قدیمی در یک کتیبه پالمیری متعلق به ۱۹۳ میلادی بکار رفته است. در این صورت احتمالاً این واژه در زمان قدیم از یک منبع آرامی وارد زبان عربی شده است. (جفری، ۳۱۲)

بر طبق گفته جفری، وجود دو ریشه متفاوت یعنی «حرکت دادن و پیش رفتن» و «کهنه و قدیمی» که در دو زبان آرامی و عبری کاربرد داشته است، برای این کلمه اثبات می‌شود. به طوری که معنای کهنه و قدیمی در زبان آرامی به تدریج، وارد زبان عربی شده و این کلمه، به هر دو معنا به کار رفته و دایره آن گسترش یافته است. آنچه این نظر را تأیید می‌کند، کاربرد واژه «عتک» در زبان عربی است که اکنون به معنای «حمله کردن» و در قالب اسم فاعل «عاتک» به معنای «صاف، خالص و ناب» بکار می‌رود. (آذرنوش، فرهنگ معاصر/ ۴۲۰)

این واژه در طول تاریخ لغت عرب، در مواردی با معنای مشابه کاربردهای واژه عتق بکار رفته است: «عتک الفرس» به معنی «حمله کردن در جنگ و آمادگی است برای تازیدن» (ابن منظور ۱۰/۴۶۳، الشرتوتی ۷۴۲/۲) «عتک القوس و هی عاتک» به معنی «رنگ آن قرمز شده و کهنه گشته است.» و همانند این موارد در عبارتهای «إمرأة عاتكة» به معنای «زن نیکو جمال و زیبا»، «نبیذ عاتک» به مفهوم «شراب خوب و خالص»، و «کل کریم عاتک» به کار رفته است. (ابن منظور ۱۰/۴۶۳) با توجه به موارد مشابه استعمال این دو واژه و اشتراک آنها در معنای واحد، می توان به این نظریه دست یافت که دو واژه «عتک» و «عتق» در زبان عبری و آرامی به دلیل شباهت نگارشی و تلفظی به یکدیگر، در اثر تبادل زبان و فرهنگ، هر یک علاوه بر حفظ معنای خویش، معنای دیگری را نیز پذیرفته است. بدین صورت که به احتمال بسیار قوی «عتک» به معنای پیش رفتن و سبقت جستن در زبان عبری و «عتق» به معنای قدیم و کهنه در زبان آرامی به کار رفته و به دلیل نگارش واحد دو حرف کاف و قاف در خط نگارشی عبری و آرامی، میان این دو واژه تبادل معنایی صورت گرفته است. و «عتک» و «عتق» به هر دو معنای «پیش رفتن و سبقت جستن» و «کهنه و قدیمی» بکار رفته اند.

بنابراین، «عتق» دو ریشه معنایی متفاوت دارد که در اصل در معنای «قدیم» به کار می رفته و چنانچه جفری نیز متذکر شده کاربردی عام داشته است. آرامی آنرا به صورت «tyqin» و سریانی و مندانی به صورت «atiqa» و پالمیری «tyqa» و «tyqin» این واژه را در معنای «کهنه و قدیمی» به کار می بردند. (مشکور/۵۶۶) این واژه در معنای «قدیم و کهنه» بعدها وارد زبان عبری شده و عبری به همراه «عتک» در معنای سبقت جستن این واژه را نیز در این معنا استعمال کرده است. به عبارت دیگر، معنای «قدیم و کهنه» برای این واژه در زبان عربی یک معنای دخیل است؛ ولی خود واژه، بیگانه نیست.

در نتیجه، نقطه مرکزی دایره معنایی «عتق»، عبارت است از «قدمت» و «پیشی گرفتن و پیش رفتن» که به تدریج هر آنچه را که به نوعی از مابقی انواع خویش تقدم و برتری داشته است و نیز هر آنچه بهترین و نیکوترین یک نوع بوده است، با تعبیر «عتیق» عنوان کرده اند. چنانچه در مورد کاربرد اولیه «عتق» در معنای پیش رفتن و حرکت کردن، این واژه بیشتر در مورد اسب و پیش تاختن آن و سبقت گرفتن از اسب های دیگر بکار رفته است. و به همین وجه به اسب های تک تاز و تندرو که در مسابقات از اسبان دیگر پیشی می گیرند، «عتاق الخیل» گویند. (خلیل ۱۴۶/۱؛ ابن درید؛ جمهره ۴۰۲/۱؛ ازهری ۲۱۰/۱؛ جوهری ۱۵۲۰/۴؛ ابن فارس؛ مقاییس ۲۱۹/۴، جمل اللغة ۶۴۵/۳؛ ابن منظور ۲۳۵/۱۰؛ فیروزآبادی ۱۴۹/۳؛ طریحی ۱۱۶۱/۲) آنها در نوع خود، بهترین بشمار می روند و از ارزش و کرامت بیشتری برخوردارند. و از آنجا که در برخی موارد قدمت یک شیء موجب کرامت و برتری آن شیء شده است، این دو معنا با یکدیگر تلفیق یافته و کاربرد «عتیق» در معنای برتری، علو و کرامت توسعه بیشتری پیدا کرده است. برای مثال شراب خوب جافتاده که مدت زمان بیشتری بر آن گذشته است و به تعبیری شراب کهنه را «عتیق» گویند. (همان به غیر از طریحی) و این هم به دلیل قدمت آن، هم به دلیل کرامت و نیکی آن است.

با این حال، به نظر می رسد کاربرد واژه «عتیق» برای کعبه با توجه به معنای قدمت و پیشینه وسیع تاریخی آن است و کرامت و ارزش نیز به تبع همان برای آن حاصل شده است؛ زیرا نخستین قطعه زمینی است که به حسب آیه «إن اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکاً» (آل عمران ۹۶) مورد شرافت و فضیلت قرار داده شده و موجب خیر و برکت گشته است.

اما اینکه کاربرد وصف «العتیق» برای «البیت»، در ارتباط با مضمون آیه، در بردارنده چه پیام و مفهوم خاصی است، مسئله ای است که باید مورد بررسی و

تحقیق قرار گیرد؛ چرا که در تمام موارد دیگر قرآن از کعبه با نام «البيت الحرام» یاد کرده است. البته تناسب معنای «الحرام» و «العتیق» نیز با توجه به مطالب گفته شده قابل توجیه است و می‌توان با توجه به تعبیر «البيت الحرام»، معنای «حرمت و کرامت» را در واژه «العتیق» نتیجه گرفت؛ زیرا خانه خدا «البيت الحرام» از جمله حرماتی است که در ادامه آیه شریفه، مورد ستایش و تعظیم واقع شده است «ذلک و من یعظم حرمت الله فهو خیر له عند ربه» (حج/۳۰) و در معنای عتیق نیز چنانچه ذکر شد، کرامت و ارزش نهفته است. و همواره کعبه، مورد احترام و ارزش بوده حتی در جاهلیت عرب نیز چنین بوده است و در شریعت ابراهیم نیز حج این خانه جزو مراسم عبادی بوده است. البته قدمت آن به عنوان «أول بیت وضع للناس» و برکت و خیر کثیر آن و بسیار صفات دیگر است که موجبات حرمت آن را فراهم آورده است و به آن کرامت بخشیده است. لذا هر دو معنای «کرامت» و «قدمت» در این آیه شریفه، صادق است. اما معنای آزادی که با توجه به برخی روایات، در بیان علت نام‌گذاری آن گفته شده است، نیز با توجه به کاربرد «عتیق» در معنای «آزاد»، در زبان عرب صحیح است. و این معنایی است که به طور ضمنی نه اصالتاً از این واژه به دست می‌آید.

در توجیه کاربرد این واژه در چنین مواردی شاید بتوان گفت هنگامی که عرب برده‌ای را آزاد می‌کرد، گویی او را از یوغ اسارت و بند بردگی رها کرده و به سوی سرنوشت خویش، حرکت می‌دهد و آزادانه به پیش می‌فرستد. به عبارتی این حرکت آزاد و رهای برده و پیشروی او به سمت زندگی خویش با اراده و سعی خودش متناسب با حرکت دادن اسب و پیش راندن آن است که در اصل معنای این لغت بود، همچنین، چون به دنبال آن نوعی ارزش و کرامت را نیز با خود حمل می‌کند، از همین واژه برای آزادی بردگان نیز استفاده شده است. به همین ترتیب شخص آزادی که از نوعی احترام و کرامت برخوردار است «عاتق»

خطاب شده است. جفری در تأیید این مطلب گوید: «عتق» در این معنا در شعر کهن عربی به کار رفته است (ص ۳۱۲) و چون شعر بهترین جایگاه برای کاربرد معانی در غیر معنای اصلی آنهاست، عرب در شعر از این واژه برای رهایی و آزادی استفاده کرده است و پس از آن در زبان عربی متداول شده است. بنابراین چه ذکر شد، روایات و بیاناتی که حاکی از آزادی خانه خدا از دست جباران و تملک دیگران و طوفان نوح است، توجیحات و توضیحاتی است که مطابق و متناسب با این معنا در تفاسیر، عنوان کرده اند و معنای اصلی آن چنانچه گفته شد، قدمت و ارزش و کرامت است که در این مصداق یعنی خانه خداوند دو معنای لازم و ملزوم هم محسوب می شوند. و مترجمان به هر دوی این معانی توجه داشته و هر یک، یکی از آن دو را برگزیده اند.

#### نتیجه

در بررسی اولیه ریشه شناختی واژه «عتیق» در لغت عرب، نزد قاموس نویسان و همچنین مترجمان و مفسران قرآن کریم، از میان تمامی مفاهیم مطرح شده، دو معنای ریشه‌ای «قدمت» و «کرامت»، قابل توجه است؛ اما پس از تحقیق در پیشینه کاربرد این واژه در زبان‌های آرامی و عبری، پیش از نزول قرآن کریم، آنچه قابل توجه است، آن است که این واژه در اصل، در زبان آرامی، در مفهوم «قدیم» استعمال شده و پس از ورود به زبان عبری به دلیل شباهت نگارشی با واژه «عتک» در معنای «سبقت جستن» دست‌خوش تبادل معنایی شده و بدین ترتیب، مفاهیم «قدمت» و «سبقت» و به دنبال آن هرآنچه به معنای تقدم و برتری است، در دایره معنایی این واژه قرار گرفته است. لذا به همین نسبت، وصف «عتیق» برای خانه خداوند از آنجا قابل توجیه است که دو معنای لازم و ملزوم قدمت و تقدم/کرامت داشته؛ و بر همین اساس است که مترجمان در ترجمه واژه به این

دو مفهوم اشاره داشته‌اند. در ادامه این بحث، از جمله موارد قابل تحقیق و بررسی، رابطه معنایی عبارت «البيت العتيق» با عبارت «البيت الحرام» است که در دیگر آیات قرآن، خانه خداوند بدان توصیف شده و به طور اجمال در متن مقاله به آن اشاره شده است.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛
- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ه.ش؛
- آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات سروش، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ه.ش؛
- ابن درید، ابو بکر محمد بن الحسن، همزة اللغة، بیروت، دارالعلم الملايين، چاپ اول، ۱۹۸۷م؛
- ابن فارس، أبو الحسين أحمد، معجم مقاییس اللغة، قاهره، دار إحياء الكتب العربية، چاپ اول، ۱۲۶۶ ه.ق؛
- ابن فارس، أبو الحسين أحمد، مجمل اللغة، قاهره، دار إحياء الكتب العربية، چاپ اول، ۱۲۶۶ ه.ق؛
- ابن منظور، أبو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق؛
- ازهری، أبو منصور محمد بن احمد، تهذيب اللغة، مصر، دارالقومية العربية، ۱۳۸۴ ه.ق؛
- بانوی اصفهانی، امین، نصرت بیگم، مخزن العرفان در علوم قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ه.ش؛
- بیضاوی، أبو سعید عبدالله بن عمر، تفسیر البیضاوی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰ ه.ق؛
- جرجانی، أبوالمحاسن الحسین بن الحسن، تفسیر گازر(جلاء الأذهان...)، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۷ ه.ش؛
- جفری، آرتور، واژه های دخیل در قرآن، ترجمه فریدون بدره ای، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۷۲ ه.ش؛



- جوهرى، اسماعيل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربية، بيروت، دارالعلم الملايين، چاپ سوم، ۱۴۰۴ هـ ق؛
- خرمشاهى، بهاءالدين، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات نيلوفر جامى، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ ش؛
- خواجوى، محمد، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات مولى، ۱۳۶۹ هـ ش؛
- رازى، أبو الفتوح، روض الجنان و روح الجنان، مشهد، بنياد آستان قدس رضوى، ۱۳۷۴ هـ ش؛
- راغب اصفهانى، حسين بن محمد بن المفضل، مفردات الفاظ قرآن، دمشق، دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ ق؛
- زمخشرى، ابو القاسم جارالله محمود بن عمر، الكشاف عن.... بيروت، دارالفكر، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ ق؛
- شبر، السيد عبدالله، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دار البلاغة، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ ق؛
- شعرانى، ميرزا ابوالحسن، ترجمه قرآن، تهران، كتابفروشى اسلاميه، چاپ دوم، ۱۳۷۴ هـ ش؛
- الشرتوتى اللبناى، سعيد، أقرب الموارد، بى جا، بى تا؛
- شاه ولى الله دهلوى، ابو الفياض قطب الدين احمد بن عبدالرحيم، ترجمه قرآن، پيشاور، كتب خانه بى تا؛
- طباطبايى، محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، تهران، دارالكتب الإسلاميه، چاپ سوم، ۱۳۹۷ هـ ق؛
- طبرسى، أبوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ۱۳۷۹ هـ ق؛
- طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، مؤسسه البعثة، بى جا، بى تا؛
- طوسى، أبوجعفر محمد بن الحسن بن على، التبيان فى تفسير القرآن، قم، مكتب الأعلام الإسلامى، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ ق؛
- فراهيدى، أبو عبد الرحمن الخليل بن أحمد، العين، ايران، انتشارات دارالهجرة، ۱۴۰۵ هـ ق؛
- فيروزآبادى، مجد الدين، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط. بيروت، دار إحياء التراث العربى، ۱۴۱۲ هـ ق؛
- فيض الإسلام، ترجمه قرآن، بى جا، بى تا؛
- قمى، على بن إبراهيم، تفسير القمى، قم، مؤسسه دارالكتب للطباعة و النشر، چاپ سوم؛

- کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقين، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۴۴ هـ.ش؛
- کاشفی، کمال الدین حسین(واعظ) ، مواهب علیه(تفسیر حسنی) ، تهران، کتابفروشی اقبال، چاپ اول، ۱۳۷۱ هـ.ش؛
- لاهیجی، بهاءالدین محمد شریف، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۳ هـ.ش؛
- مجتوی، سید جلال الدین، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۷۱ هـ.ش؛
- مشکور، محمد جواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، تهران، بنیاد فرهنگی ایران، ۱۳۵۷ هـ.ش؛
- مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱ هـ.ش؛
- مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، دار القرآن الکریم و دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ هـ.ش؛
- مبدی، رشید الدین أبو الفضل، كشف الأسرار و عدة الأبرار، مشهد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۷ هـ.ش؛
- نسفی، أبو حفص نجم الدین عمر بن محمد، تفسیر نسفی، تصحیح عزیز الله جوینی، بی جا، بی تا.

## تحرى الاشتقاق و التطور عن اللفظة «العتيق» فى القرآن

محمد رضا شاهرودي، اكرم صالحى

### الخلاصة

عندما نتحرى لفظه «عتيق» التى استخدمت مرة واحدة فى سورة الحج المدنية، كما يلهمنا علم اللغة التوحيدى، نجد مفسري القرآن الكريم و الذين بحثوا عن مداليل مفرداته لم يتطرقوا الى ترجمة واحدة بالضبط، و نحن فى هذا المجال نشير اشارة عابرة الى أن هذه اللفظة استخدمت فى معنيين مختلفين — اعنى «القدم» و «الكريم» — فى حين ان المفسرين قد زادوا فى دائرة الخلاف و اضافوا عليه معنى ثالثاً و هو الحرية .

ثم، إننا بحثاً عن اصل هذه اللفظة الصميم، تحرينا فى القواميس عن مواضع استعمالها المختلفة، حيث وجدنا معنى «القدم» و «الكرامة» فى أصله و بعد ادماج معنى الحرية فى معنى الكرامة و ايضا بعدما بحثنا عن مواضع استعمال هذه اللفظة فى اللغات القديمة قبل ظهور الاسلام، رأينا أن اللفظة «عتق» بمعنى «القدم» لشبهها فى اللغة الاسلامية فى الكتابة و النطق باللفظة «عتك» التى بمعنى «الانسباق» و «التقدم»، قد تبدلت فى العبرية معنى، و كلا المعنيين قد شكّل البؤرة المركزية لنطاق مفهوم «العتق» الواسع.

و على هذا الأساس يفسر أن كل ما هو له قدمة و له استباق على سائر نظرائه، قد عبرت عنه باللفظة « العتيق ».

المفردات الرئيسية: العتيق، البيت العتيق، مفردات القرآن، علم اللغة